

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال سیزدهم، شمارهٔ چهل و نهم، بهار ۱۴۰۰، ص ۱۶۶-۱۴۷

کاربست اندیشه‌های اجتماعی و اندرزهای خواجه نظام‌الملک در کتاب سیاست‌نامه در عصر کنونی

طیبه رحمانی* - دکتر سهیلا موسوی سیرجانی** - دکتر عبدالحسین فرزاد***

چکیده

ادبیات تعلیمی پیشینهٔ درازمدتی در ادبیات ایران دارد. هدف از نگارش آثار تعلیمی، آموزش و تعلیم مسائل و نکات اخلاقی برای ارتقای اخلاق مخاطب است. یکی از متونی که در دستهٔ ادبیات تعلیمی قرار می‌گیرد و این ویژگی بارز در آن به صورت روایی بروز یافته است، کتاب *سیاست‌نامه* اثر خواجه نظام‌الملک طوسی است. نویسنده در این کتاب، ضمن بررسی حکومت و مسائل سیاسی جامعه، پندها و نصایح اجتماعی، اخلاقی و نظامی را به دو صورت آشکار و پنهان با چیرگی مطرح می‌کند. از ویژگی‌های آشکار معنایی در *سیاست‌نامه* «هم‌زمانی» بودن آن است؛ به این معنا که گذشت زمان موجب کهنگی آن نشده و در تمام دوران کاربرد دارد؛ بر این اساس، این پژوهش که به شیوهٔ توصیفی تحلیلی و روش کتابخانه‌ای تنظیم شده، درصدد آن است تا به بررسی کاربست اندیشه‌های اجتماعی و

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

rahmani2513@yahoo.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (نویسنده مسؤول)

mousavi-sirjani@yahoo.com

*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

abdolhosein.farzad@gmail.com

تاریخ پذیرش ۹۹/۱۰/۲۴

تاریخ وصول ۹۹/۷/۷

اندرزهای خواجه نظام‌الملک در کتاب *سیاست‌نامه*، در عصر کنونی پردازد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که محورهای تعلیمی اندرزهای *سیاست‌نامه* کدام‌اند و بهره‌وری آن‌ها در جامعه امروزی به چه صورت است؟ نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که در جامعه امروزی، بهره‌وری از پندهای این کتاب می‌تواند در مسائل اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و نظامی مفید باشد و به ارتقای سطح فرهنگی جامعه کمک نماید.

واژه‌های کلیدی

تعلیم و تربیت، جامعه امروزی، *سیاست‌نامه*، هم‌زمانی.

۱. مقدمه

قصه‌ها و حکایت‌های تعلیمی را باید جزء مهم‌ترین بخش‌های ادبیات روایی کهن فارسی دانست. با اینکه مشرف معتقد است که آثار تعلیمی دربرگیرنده موضوعات در حوزه‌های مختلف است، بررسی‌ها نشان می‌دهد که مضامین اخلاقی، نمود بیشتری دارند (نک: مشرف، ۱۳۸۹: ۱۱). یک حکایت تعلیمی را به‌طور معمول از درون‌مایه آن می‌توان تشخیص داد و پیام نهفته یا آشکار آن هدف از پیش تعیین‌شده راوی است؛ به عبارتی، طبق نظریه مارتین، «یک حکایت تعلیمی می‌تواند ناشی از توالی پیام‌های متعدد به همراه روابط خاص نحوی و ادبی در یک چرخه نظام‌مند باشد» (مارتین، ۱۳۸۶: ۹۳).

راوی در حکایات تعلیمی در خلال نوشتار خویش، با هدفی مشخص به تفسیری تعلیمی می‌پردازد که بر پایه الگوهای اندرزی است. این الگوها مطابق با اهداف اصلی نویسنده شکل گرفته و به مرور زمان در بخش‌های بسیاری از متون کلاسیک، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. در این دسته از متون، راوی باید تفسیری از متن داشته باشد؛ زیرا نقشی هدایتگر برای روایت‌شنو خواهد داشت و این راوی است که به‌طور مشخص، تعیین‌کننده هدف است؛ بنابراین شناخت الگوهای تعلیمی و تفاسیر راویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این خصوص برای دستیابی به این الگوها، تقسیم‌بندی محتوایی و توجه به متن و مضامین این آثار، امری اجتناب‌ناپذیر است. «در حکایات تعلیمی نیز، این تفسیر راوی است که پرده از

الگوهای خاص مورد استفاده در متون تعلیمی برمی‌دارند؛ یعنی فهم و دریافت ساختار داستان با توجه به غایات و اهداف آن؛ هرچند اجزای روایت یکی پس از دیگری روایت می‌شوند و یکدیگر را فرامی‌خوانند، به نظر می‌رسد خواننده در حرکتی معکوس و از پایان به آغاز به خوانش آن‌ها می‌پردازد» (همان: ۹۳).

از منظر روایت‌شناختی، وجه ترغیبی در حکایت‌های تعلیمی در گرو تغییر و تبدیلی بنیادین در گزاره‌های حاضر در یک توالی خاص است. این تغییر، همان عاملی است که موجب برهم‌خوردن تعادل اولیه و تلاش برای ایجاد تعادل مجدد و کامل شدن پیشرفت می‌گردد. برای شرح این مطلب، تودروف^۱ گزاره‌های روایی را از نظر وجه به انواع گوناگون تقسیم کرده است. در میان این وجوه، وجه الزامی (تحکمی) مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری ساختار، تفسیرها و غایات حکایات تعلیمی فارسی ایفا می‌کنند. «تکمیل وجه، گزاره‌ای است که باید اتفاق بیفتد و خواست و اراده‌ای است رمزی‌شده و غیرفردی که قانون یک جامعه را تشکیل می‌دهد» (تودروف، ۱۳۸۸: ۷۱).

شاید در بعضی از حکایات، این قوانین دیده نشود اما مخاطب در حین مطالعه متن به اهداف مورد نظر نویسنده پی می‌برد و به‌خوبی می‌تواند تفسیری ویژه را از متن برداشت کند. بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی اندرزهای تعلیمی کتاب ارزشمند سیاست‌نامه و بهره‌وری آن‌ها در جامعه امروزی می‌پردازد و پرسش اصلی که پیکره پژوهش را شکل می‌دهد این‌گونه مطرح می‌شود که محورهای تعلیمی اندرزهای سیاست‌نامه کدام‌اند و بهره‌وری آن‌ها در جامعه امروزی به چه صورت است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره سیاست‌نامه، مقالات و پژوهش‌هایی در قالب پایان‌نامه انجام شده است، منتهی هرکدام از منظری به این کتاب نگریسته‌اند و دیدگاه آن‌ها متفاوت بوده است؛ به‌طوری که آنچه باعث تمایز یک پژوهش بر دیگری شده، همان تنوع موضوع و اختصاصی بودن آن است. ما نیز در اینجا اگر بخواهیم به پیشینه پژوهش اشاره کنیم، به‌ناچار باید پژوهش‌های نزدیک به موضوع این مقاله را بررسی کنیم که انگشت‌شمار و اندک و بدین شرح‌اند:

محسن مرسل‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «تأثیر اندرزهای اردشیر ساسانی بر سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک» به بررسی وام‌گیری و تأثیرپذیری سیاست‌نامه از این کتاب پرداخته و ابعاد این تأثیر را بررسی کرده است.

اسماعیل سپه‌وند و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «در شناخت آداب الملوک‌های فارسی و بررسی چند نمونه وزین از آنها» به معرفی جنبه‌های ساختاری تعلیمی چندی از این کتب اشاره کرده و سیاست‌نامه را نیز بررسی کرده است.

محمد کاظمی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *اندرزنامه‌های سیاسی در ادب فارسی (با محوریت بررسی شاه آرمانی در سه کتاب شاهنامه فردوسی، سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی و نصیحة الملوک غزالی)*، به بررسی برخی آداب و رسوم پادشاهان در قدیم اشاره کرده است.

حسین افتخاری (۱۳۸۷) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *بررسی جلوه‌های زندگی ایرانیان در سه اثر برجسته سده پنجم هجری (قابوس‌نامه، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت)* به بررسی مقوله‌های فرهنگی ایرانیان باستان اشاره کرده و اندرزهای تعلیمی برشمرده است.

آنچه موجب تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های یادشده می‌شود، این است که تاکنون هیچ پژوهشی درباره کاربست اندیشه‌های اجتماعی و اندرزهای خواجه نظام‌الملک در کتاب *سیاست‌نامه* در عصر کنونی صورت نگرفته است؛ بنابراین تحقیق حاضر در این زمینه نوآورانه است.

۲. بحث

۲-۱. سیاست‌نامه

به جرئت می‌توان گفت که یکی از آثار ارزشمندی که در محتوا و مضمون از نوادر روزگار بعد از اسلام در ایران بوده، کتاب *سیاست‌نامه* اثر خواجه نظام‌الملک طوسی است. تأثیر اندرزنامه‌های عصر ساسانی در ادوار بعد از اسلام، به‌ویژه در *سیاست‌نامه*، به‌وضوح مشاهده می‌شود. نامه تنسر، منسوب به تنسر هیربدان که هیربد و نماینده روحانیون اهل

اردشیر است، بیشترین نقش را در مسائل سیاسی آغاز عهد ساسانی داشته است. به نظر می‌رسد گونه‌اندرزنامه‌نویسی بعد از اسلام ریشه در اندرزنامه‌نویسی عهد ساسانی دارد و حتی می‌توان گفت سنت اندرزنامه‌نویسی ساسانی در اشکانیان و هخامنشیان، به‌خصوص مبحث کتیبه‌های هخامنشی که سرآمد این کتیبه‌ها، کتیبه بیستون است، ریشه‌ای عمیق دارد و می‌توان اشاره کرد که آنان نیز این نوع طرز بیان سیاسی و اجتماعی خود را از تمدن‌های بابل آشوری و ایلامی به ارث برده‌اند (نک: صفا، ۱۳۸۱: ۲۱۹).

۳. ادبیات تعلیمی

ادب تعلیمی، اثری است که دانش (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند، یا مسائل اخلاقی، مذهبی، فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد. البته ادبی بودن اثر تعلیمی معقول با تشکیل است؛ یعنی در آثاری عناصر و مایه‌های ادبی کمتر و در آثاری بیشتر است. نوشتن آثار تعلیمی از قدیم سابقه داشته و اتفاقاً رواج آن در روزگاران قدیم بیشتر بوده است. در ادبیات ما هرچند نمونه‌ها بیشتر مربوط به دانش‌های نظری است، در دانش‌های علمی هم نظریه‌هایی سروده شده است مثل *نور الانوار از بحر الاسرار مظفر* علیشاه کرمانی در علم کیمیا؛ اما ادبیات تعلیمی می‌تواند تحلیلی هم باشد؛ یعنی مسئله‌ای را که می‌خواهد تعلیم دهد، به‌صورت داستانی یا نمایشی درآورد تا جاذبه بیشتری یابد؛ از این شیوه، به‌خصوص در کتاب‌های کودکان استفاده می‌کنند. باید توجه داشت که اطلاق ادب تعلیمی بر اثری به هیچ وجه، از شأن آن اثر نمی‌کاهد. بسیاری از شاهکارهای ادبی جنبه‌تعلیمی دارند و از این قبیل است، مثنوی مولوی و بوستان سعدی و حدیقه سنایی که جنبه‌های ادبی آن‌ها هم‌پای جنبه‌های تعلیمی است که از نظر ادبی هم حائز اهمیت است. بدین ترتیب، عرصه کاربرد اصطلاح ادب تعلیمی بسیار وسیع است (محررپناه، ۱۳۹۳: ۶۰) هرچند وسعت آثار تعلیمی در پهنه زبان و ادبیات فارسی و تعدد این متون بسیار است، در این میان، هستند کتبی که شاخص‌های برتری نسبت به سایر آثار دارند و در طول تاریخ ادبی، درخششی چشمگیر داشته‌اند که با مطالعه و تفحص در خلال این متون، هدف نویسنده به‌خوبی آشکار می‌شود. در این خصوص با خوانش اثر،

این امر بر خواننده آشکار می‌شود که هدف اصلی متن «هدایت ذهن او به سوی نکته‌ای تعلیمی و آموزشی است. ساختار روایی در ادبیات تعلیمی و شناخت ساختار روایی در ادبیات تعلیمی، یکی از مهم‌ترین اهداف این پژوهش است.

۴. ساختار روایی سیاست‌نامه

سیاست‌نامه کتابی تعلیمی است که حکایت‌های کوتاه و بلندی دارد که در هر کدام پیامی اندرزگونه برای مخاطب نهفته است و همان گونه که در بخش قبل بیان شد، راوی در این حکایت‌ها پیامی را در قالب یک متن به روایت‌شمار انتقال می‌دهد و این پیام که به یکی از گفتمان‌های سیاسی، اخلاقی، نظامی و... تعلق دارد، از نظر عناصر زبانی و روایی سیاست‌نامه، معمولاً به سه طریق بازنمایی می‌شود:

الف. تفسیر: تفسیر، گزاره‌هایی است که از سوی راوی و معمولاً در انتهای حکایت مستقل از متن اصلی، برای توضیح اهداف و محتوای حکایت نقل می‌شود. «مهم‌ترین ویژگی گزاره‌های تفسیری، خروج آن‌ها از بافت روایی حکایت است. به همین دلیل در نگاهی ژنتی، این بخش‌ها با عنوان درنگ^۲ خارج از زمان گفتمان روایی قرار می‌گیرند» (قاسمی‌پور، ۱۳۹۱: ۷۸). انتقال پیام تعلیمی حکایت، از طریق تفسیر داستان، مرسوم‌ترین شیوه برای تبدیل حکایت به متنی تعلیمی در متون کهن فارسی بوده است. از جمله حکایاتی که کاربرد گزاره‌های تفسیری در آن‌ها، نقش محوری دارند، حکایات تفسیری هستند. تفسیر، در این گونه حکایات، گاه مفهومی دور از ظاهر داستان را نیز به مخاطب منتقل می‌کند (نک: پارسانسب، ۱۳۹۰: ۵۲)، به همین دلیل، گاه آیاتی که ظاهری غیر تعلیمی دارد با تفسیری خاص می‌توانند در گروه حکایات تعلیمی بگنجانند.

و هم این اسماعیل بن احمد را عادت چنان بود که آن روز که سرما سخت بودی و برف بیشتر آمدی، تنها برنشستی و به میدان آمدی تا نماز پیشین بر پشت اسب بودی. گفتی: باشد که متظلمی به درگاه آید و حاجتی دارد و او را نفقاتی و مسکنی نبود و چون به عذر برف و سرما ما را نبیند، مقام کردن و تا به ما رسیدن بر وی دشوار گردد و چون بداند که ما اینجا ایستاده‌ایم، بیاید و کار خویش بگذارد و به سلامت برود و مانند این

حکایت‌ها بسیار است، اندکی گفته آمد و این احتیاط از بهر جواب آن جهان را کرده‌اند (طوسی، ۱۳۶۸: ۶۶).

همان گونه که از ساختار این‌گونه حکایت، به‌عنوان نمونه‌ای از حکایت‌های سیاست‌نامه برمی‌آید، شیوه انتقال پیام آن به‌صورت «تفسیری» است. به این صورت که نویسنده در انتهای روایت می‌گوید: «و مانند این حکایت‌ها بسیار است، اندکی گفته آمد و این احتیاط از بهر جواب آن جهان را کرده‌اند.» این عبارت، مفسر روایت اخلاقی فوق است و به‌صورت ضمنی به خواننده پیام می‌دهد که برخی نیکوکاری‌ها را آدمی برای جمع کردن توشه آخرت انجام می‌دهد و پاداش اخروی آن نزد خداوند محفوظ است.

ب. گفت‌وگو: یکی دیگر از روش‌های انتقال پیام نهفته در متن، گفت‌وگوهای داستانی است. این بخش‌های داستانی، به‌ویژه گفت‌وگوهایی که در پایان حکایت، گشاینده‌گر و داستانی محسوب می‌شوند، حامل پیام اخلاقی و تعلیمی متن هستند. الگوی شکل‌گیری بسیاری از حکایات تعلیمی، الگوی تقابلی در مفاهیم، نمادها و شخصیت‌هاست. این تقابل در هر حکایت، با معرفی دو دسته شخصیت، به‌صورت نوعی تیپیک، یک گروه را همسو با اهداف پیام تعلیمی متن پیش می‌برد. نویسنده متن تعلیمی، گاه پیام خود را نه به‌صورت گزاره‌های تفسیری، بلکه به‌صورت گزاره‌های گفت‌وگویی و در پس کلام شخصیت مثبت داستان پنهان می‌کند. این شیوه نیز به‌نوعی خواننده را با موضع‌گیری مشخص و صدای تحکم‌آمیز راوی روبه‌رو می‌کند. با این تفاوت که به‌لحاظ داستانی، پیام متن از درون الگوهای روایی و درون داستانی منتقل می‌شود. آنچه معمولاً در متون تعلیمی تحت عنوان برآمدن صدای راوی از گفت‌وگوهای شخصیت داستانی خواننده می‌شود (نک: طغیانی و نجفی، ۱۳۸۷: ۱۰۶) مربوط به همین شیوه انتقال پیام است.

بعد از هفت سال و نیم روزی که سرای خالی بود و مردمان همه رفته بودند و نوبتیان خفته از جرس‌ها، بانگ بخاست و نوشیروان بشنید. در وقت دو خادم را بفرستاد. گفت: «بنگرید تا کیست که به تظلم آمده است؟» چون خادمان در سرای بار آمدند، خری را دیدند، پیر و لاغر و گرگن که از در سرای اندر آمده بود و پشت اندر آن سلسله‌ها

می‌مالید و از جنبش زنجیر از جرس‌ها بانگ می‌آمد. خادمان رفتند و گفتند هیچ‌کس به تظلم نیامده است مگر خری لاغر و پیر و گرگن از در اندر آمده و چون آسیب زنجیر به پشت او رسیده است، او را خوش آمده است و به سبب خارش، گر خویش را در آن زنجیر می‌مالد. نوشیروان گفت: «ای نادانان که شما، نه چنین است که شما می‌پندارید. چون نیک نگاه کنی این خر هم به داد خواستن آمده است. چنان خواهیم که هر دو خادم بروید و این خر را در میان شهر برید و از احوال این خر از هر کسی بپرسید و به راستی مرا معلوم کنید.» خادمان از پیش ملک بیرون آمدند و این خر را در میان شهر و بازار آوردند. از مردمان پرسیدن گرفتند که هیچ‌کس هست از شما که این خرک را می‌شناسد؟ همه گفتند ای والله کم کس است که این خرک را نشناسد. گفتند چون شناسید؟ برگوید. گفتند: این خرک از آن فلان مرد گازر است و قرب بیست سال است تا ما این خرک را می‌بینیم. هر روز جامه‌های مردمان بر پشت او نهادی و به گازران بردی و شبانگاه باز آوردی. تا جوان بود و کار می‌توانست کرد، علفش می‌داد. اکنون که پیر شد و از کار فروماند، آزادش کرد و از خانه بیرون کرد و اکنون مدت یک سال است که این خرک افتاده است و شب و روز در محلت‌ها و کوی و بازار می‌گردد و هر کسی، مزد خدای را علفی و آبی و مستی گیاه بدو می‌دهند، مگر دو شبان روز بر او بگذرد که آب و گیاه نیابد و هرزه می‌گردد. هر دو خادم سبک بازگشتند و نوشیروان گفت: «نه شما را گفتم که این خرک هم به داد خواستن آمده است؟! روز بعد، گازر را با چهار مرد از محلت به نزد نوشیروان آوردند. نوشیروان گازر را گفت: «تا این خرک جوان بود و کار تو می‌توانست کرد، علفش همی‌دادی و تیمارش می‌داشتی. اکنون که پیر گشت و از کار کردن فروماند، از بهر آنکه تا علفش نباید داد، نام آزادی بر وی نهادی و از درش بیرون راندی. پس حق رنج و خدمت بیست‌ساله او کجا رود؟» بفرمود تا چهل دره‌اش زدند و گفت: «تا این خرک زنده باشد، خواهیم که هر شبان روزی چندان که این خرک کاه و جو و آب تواند خورد، به علم این چهار مرد، بدو می‌دهی و اگر هیچ تقصیر کنی و معلوم من گردد، تو را ادبی بلیغ فرمایم» (طوسی، ۱۳۶۸: ۹۰).

در این حکایت، تمسک به ابزار گفت‌وگو، موجب شده تا مخاطب پیام متن را در

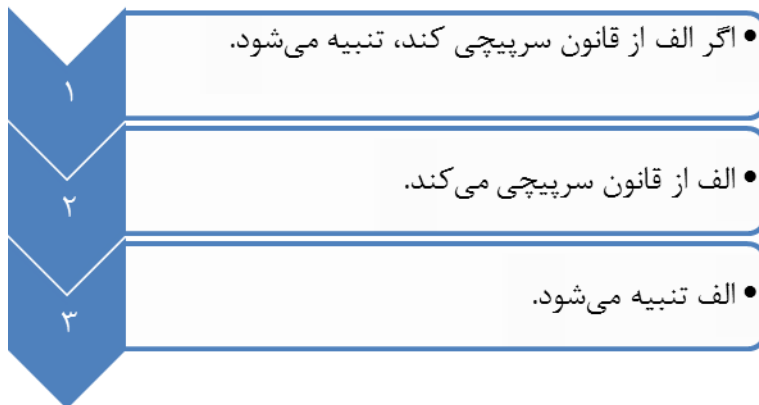
انتهای آن و گام‌به‌گام درک نماید. در حکایاتی از این دست، نویسنده سعی می‌کند با ایجاد گفت‌وگو، بین کنشگران روایت، پیام مورد نظر را به خواننده منتقل نماید. در این‌گونه حکایت‌های سیاست‌نامه، کشش و کنش داستانی قوی‌تری به چشم می‌خورد و تعلیق داستانی باعث می‌شود تا مخاطب به دنبال روایت کشانده شود.

ج. کنش داستانی: اگرچه معمولاً حکایت‌های تعلیمی پیام خود را به‌صورت کلامی (تفسیر راوی یا گفت‌وگوهای میان شخصیت‌ها) به مخاطب انتقال می‌دهند، گاه طرح داستان نیز خود به‌تنهایی می‌تواند این پیام را منتقل کند. در این حالت، طرح داستان بیش از آنکه بر گفت‌وگو تکیه داشته باشد، برکنش‌های داستانی متکی است. البته در پایان بسیاری از این حکایات، تفسیر راوی یا گفت‌وگوی پایانی از پیام نهفته در حکایت پرده برمی‌دارد؛ ولی مبتنی بودن برکنش‌ها و طرح داستانی موجب می‌شود تا مخاطب، اغلب بدون نیاز به این تفاسیر نیز پیام متن را درک کند.

و چنین شنودم که اندر روزگار قباد ملک هفت سال در جهان قحط بود و برکات از آسمان بریده گشته بود. فرمود عمال را تا غله‌هایی که داشتند می‌فروختند و بعضی به وجه صدقه می‌دادند و از بیت‌المال و خزانه درویشان را یاری می‌کردند چنان‌که در همه مملکت او در آن هفت سال، یک تن از گرسنگی نمرده بود بدان سبب که با گماشتگان عتاب کرد؛ و از احوال عامل پیوسته می‌باید پرسید. اگر چنین رود که یاد کردیم، عمل بر وی نگاه دارد و اگر نه به کسان شایسته بدل کند و اگر از رعیت چیزی سته باشد، به ناواجب از وی بازستانند و بر رعیت بازدهند و پس از آن، اگر او را مالی بماند، از وی بستانند و به خزانه آرند و او مهجور کنند و نیز عمل نفرمایند تا دیگران عبرت گیرند و دراز دستی نکنند (همان: ۶۷).

در این داستان ابزار انتقال پیام از طریق «کنش / ساختار» داستانی است و نوعی قرارداد

بین راوی و مخاطب به چشم می‌خورد:



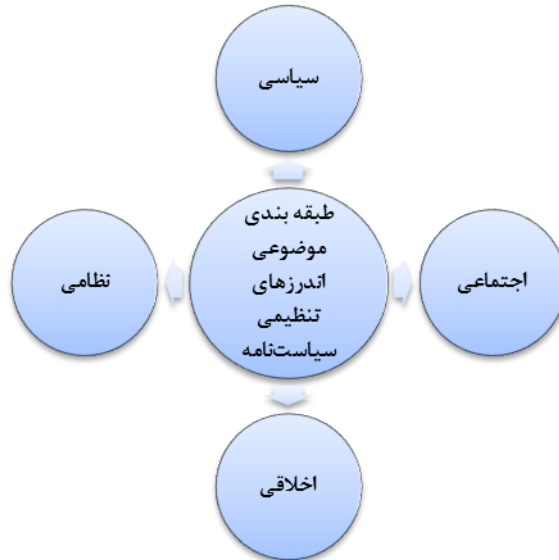
نمودار ۱: ساختار روایی (بخش داستانی) حکایت‌های سیاست‌نامه

این فرمول به صورت فوق در ساختار برخی از روایت‌های سیاست‌نامه به چشم می‌خورد و نتیجه ساختار برای مخاطب این است که چنانچه تو نیز از قانون وضع شده سرپیچی کنی، تنبیه خواهی شد. این ساختار به صورت ضمنی، پیامی برای روایت‌شنو دارد؛ پیامی که آمیخته به اندرز است و از نوع حکایت‌های کنشی به شمار می‌آید. اگر با معیار میزان، آشکارگی پیام تعلیمی متن به حکایت‌های تعلیمی نگاه کنیم، این نوع حکایت‌ها کمترین میزان آشکارگی را دارند. تا جایی که گاه در نگاه اول، نمی‌توان پیامی آشکار از متن دریافت کرد و لازم است تا با در نظر گرفتن بافت تعلیمی حکایت، بتوان به آن پی برد. این نوع حکایت‌ها به دلیل ویژگی‌های روایی، از جمله خالی بودن از گزاره‌ها و گفت‌وگوهای تفسیری، امکان برداشت‌های متفاوتی را پیش روی ما قرار می‌دهند و در زمینه‌های متنی و معنایی مختلف، بار معنایی آن‌ها تغییر خواهد کرد (پارسانسب، ۱۳۹۰: ۳۳).

۵. طبقه‌بندی موضوعی

در ادامه بر آنیم تا به گوشه‌ای از اندرزهای تعلیمی سیاست‌نامه و بهره‌وری آن‌ها در جامعه امروزی انسان‌ها نگاهی بیندازیم و کاربست آن یا جای خالی آن را مورد واکاوی قرار دهیم؛ اگرچه ادیبان و شاعران در عرصه ادبیات فارسی چیزی ناگفته نگذاشته‌اند و پیام‌های

نهفته در گفتار آن‌ها «هم‌زمانی» و «درزمانی» بوده است، این مسئله باعث جاودانگی این پندها برای بشریت گردیده است. در ذیل به چندی از این اندرزها اشاره می‌کنیم:



شکل ۲: طبقه‌بندی موضوعی اندرزهای سیاست‌نامه

۱-۵. اندرزهای اجتماعی اقتصادی

یکی از وجوه اندرزهای سیاست‌نامه از نوع اندرزهای اجتماعی است و زیرساخت‌های اجتماعی جامعه را دربرمی‌گیرد و قوام‌بخش جامعه‌ای پایدار و آرام است. در ذیل به چندی از این اندرزها با صبغه اجتماعی اشاره می‌شود:

- برخورد قاطع با خیانتکاران

حکومت‌ها هرچند از نظر سیاسی و نظامی و اقتصادی قدرتمند باشند، باز با مخالفانی از داخل یا خارج، مواجه خواهند شد که معمولاً هم مخالفت‌ها و خیانت‌های داخلی، آسیب‌ها و خطرات بیشتری را برای جامعه به دنبال خواهند داشت. ناآگاهی و یا ناتوانی زمامداران و کارگزاران بر وظایف و مسئولیت‌های خود در قبال این آسیب‌ها ضربه‌های جبران‌ناپذیری را بر بدنه جامعه وارد خواهد کرد؛ از این‌رو، برخورد قاطع از طرف حکومت، می‌تواند تا حدی این خیانت‌ها و مخالفت‌ها را کنترل کند و از آسیب‌های آن بکاهد. در جای‌جای سیاست‌نامه با حکایت‌های شیرین و آموزنده به «برخورد قاطع

حاکم با خیانت کاران» پرداخته شده است، نتیجه این امر بازدارندگی دیگر خائنان از اعمال مشابه و در نتیجه افزایش خیر و صلاح در مملکت گردیده است. برای مثال در حکایت «خباز غزنین» قاطعانه بیان می‌کند وقتی که حاکم شهر می‌بیند که یکی از نانوایان آرد را احتکار کرده است، با او برخورد کرده به گونه‌ای که نان در نانوائی‌ها فراوان گشته و دیگر کسی در سختی نمی‌ماند: «و هم شنیدم که در غزنین، خبازان در دکان‌ها بیستند و نان عزیز و نایافت شد و غربا و درویشان در رنج افتادند و به تظلم به درگاه شدند و پیش سلطان ابراهیم از نانوایان بنالیدند، فرمود تا همه را حاضر کردند. گفت: چرا نان تنگ کرده‌اید؟ گفتند: هر باری که گندم و آرد که در این شهر می‌آرند، نانوائی تو می‌خرد و در انبار می‌کند و می‌گوید: فرمان چنین است و ما را نمی‌گذارد که یک من بار بخریم. سلطان بفرمود تا خباز خاص را بیاوردند و در زیر پای فیل افکندند. چون بمرد بر دندان پیل بیستند و در شهر بگردانیدند و بر وی منادی می‌کردند که ه که در دکان بازنگشاید، از نانوایان با او همین کنیم و انبارش خرج کردند. نماز شام بر در هر دکانی پنجاه من نان بمانده بود و کس نمی‌خرید» (طوسی، ۱۳۶۸: ۶۰).

آن‌گونه که از نتیجه اخلاقی و اندرزی این حکایت برمی‌آید، اجرای احکام بازدارنده در تمام دوران جوامع لازم و ضروری است؛ به گونه‌ای که اگر کسی قصد خیانت در هر بُعدی از ابعاد اجتماعی، اقتصادی و... را در جامعه داشته باشد، از عمل خویش پشیمان گردد و دیگر نظیر این افکار شوم در ذهن او خطور نکند. امروزه به دلیل افزایش شیوه‌های مبادله اقتصادی، پرداخت وجوه از طریق دستگاه‌های خانگی و... احتمال دزدی و خیانت بسیار افزایش یافته است و اگر کسی به دلیل نوسانات بازار در فکر احتکار کالاهای ضروری زندگی مردم باشد، برخورد قاطعانه دستگاه قضا می‌تواند در جایگاه درس، عبرتی مفید برای افرادی باشد که فکر خیانت را در ذهن خود می‌پروراند.

۲-۵. مشورت کردن

در جوامع بشری، مشورت و بهره‌گیری از تجربیات و افکار دیگران یک اصل پذیرفته شده است؛ از این‌رو رهبران و کارگزاران جوامع، مشاوران متعددی در زمینه‌های مختلف حکومتی در کنار خود جای داده‌اند. از دیدگاه امام علی^(ع) هم مشورت و بهره‌گیری از افکار و نظرات دیگران از جایگاه خاصی برخوردار است؛ به خصوص که دین اسلام هم

بر این امر تأکید می‌کند. امام علی^(ع) از مشورت به‌عنوان علمی جدید یاد کرده و آن را مهم‌ترین پشتیبان انسان خوانده است. ایشان در سیاست و مملکت‌داری خود را نیازمند یاری دیگران می‌دانستند؛ از این رو همیشه در همه کارهای مملکتی از مشورت دیگران بهره می‌جستند. چند مورد از حکمت‌های نهج البلاغه به همین امر تعلق دارد که هر کدام از آن‌ها به تنهایی چراغ راهی است که همچنان پس از سال‌های متمادی می‌تواند روشنگر راه حاکمان و سیاستمداران امروز باشد. ایشان در مورد ارزش مشورت فرموده‌اند: «لَا غِنَى كَلْعَقْلٍ وَلَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثٌ كَالْأَدَبِ وَلَا ظَهِيرٌ كَالْمُشَاوَرَةِ؛ هیچ ثروتی چون عقل، هیچ فقری چون نادانی، هیچ ارثی چون ادب و هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۵۴، ص ۴۵۳). در سیاست‌نامه یکی از ویژگی‌های سبکتگین را مشورت در امور دانسته است: «چون سبکتگین هژده ساله شد، دو بیست غلام مردانه خیل داشت و همه سیرت سبکتگین بر دست گرفته بود در نشستن و خاستن و گفتن و ترتیب خوان و کاسه و مجلس و شکار و تیر انداختن و گوی زدن و مراعات مردم کردن و با خیل چون برادران زیستن و اگر سیبی در دست گرفتی خواستی که با ده تن خورد و به سبب خوبی و خوی خوش و سیرت نیکو همه کس او را دوست داشتی و در امور با ایشان مشورت کردی و نظرها گفتندی» (طوسی، ۱۳۶۸: ۱۴۳).

در جوامع امروزی، انسان به دلیل ماشینی شدن زندگی و همچنین پیچیدگی راه‌های رسیدن به هدف نیاز به نظر دیگران دارد، مشورت امری بسیار پسندیده و مفید است و می‌تواند راهگشای بسیاری از تاریکی‌ها و سختی‌های زندگی باشد. امروزه، از آنجایی که گاه اولین اشتباه در امور اقتصادی، اجتماعی، کاری و... آخرین اشتباه است، چه بهتر که آدمی قبل از انجام امور با افراد باتجربه مشورت کند و پس از آن اقدام به کاری نماید.

۶. اندرزه‌های دفاعی نظامی

سیاست‌نامه در دو حیطة هواداری لشکریان و تقویت روحیه آنان و همچنین ساختن سلاح ظاهر است. نویسنده در این کتاب، ضمن توصیه به طرفداری حکومت از لشکریان، رضایت‌مندی آنان را سپر دفاعی مهم در برابر هرگونه تجاوزگری دشمنان می‌داند.

۱-۶. سلاح ساختن و پیشرفت دفاعی

یکی از اندرزهای خواجه نظام‌الملک طوسی، توصیه به ساختن سلاح و داشتن ارتشی قوی با روحیه رقابتی است؛ به گونه‌ای که بتواند پشتوانه کشور در بحران‌های پیش رو باشد تا چنانچه تجاوزگری اندیشه تجاوز در سر داشته باشد، او را از عمل خود پشیمان کند. بر همین اساس، درباره سپاه چند قومیتی سلطان محمود می‌گوید: «و عادت سلطان محمود چنان بوده است که از چند جنس لشکر داشتی، چون ترک و خراسانی و عرب و هندو و غوری و دیلم؛ و هر شب در سفر از هر گروه معلوم کرده بودندی که چند مرد یتاق رفتندی و جایگاه هر گروه دیدار بودی و هیچ گروه از بیم یکدیگر از جای خویش نیارستندی جنبید تا روز به نبرد یکدیگر پاس داشتندی و نخفتندی و اگر روز، جنگ بودی هر جنس از جهت نام و ننگ بکوشیدندی و جنگی هرچه سخت‌تر بکردندی تا کس نگفتی که فلان جنس در جنگ سستی کردند و همه در آن کوشیدندی که از یکدیگر به آیند» (همان: ۱۳۷).

امروزه نیز هر کشوری، برای دفاع از مرزهای خود در برابر متجاوزان، نیاز به ارتشی قوی و به‌روز دارد؛ بر همین اساس کشورهای اسلامی، برای دفاع از تمامیت ارضی خود، همواره باید ارتشی قوی و به‌روز داشته باشند تا بتوانند توطئه‌ها و نقشه‌های دشمنان را خنثی کنند؛ اما در باب چند قومیتی بودن این سپاه لازم است که اندیشمندان امروزی در زمینه تاکتیک‌های جنگی این را بسنجند.

۷. اندرزهای دینی

اندرزهای دینی برگرفته از فرهنگ اسلامی و اعتقادات مؤلف سیاست‌نامه است که می‌تواند همچون چراغی روشنگر راه انسان در دنیا و آخرت بوده و باعث سعادت او گردد. بر همین اساس، مؤلف در حیطه اندرزهایی دینی که ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد و از کلام پیامبران سرچشمه می‌گیرد، مخاطب را از رذیلت‌ها برحذر می‌دارد و به سمت فضیلت‌ها سوق می‌دهد.

۷-۱. غلبه بر خشم

خشم و عصبانیت حاصل واکنش و رفتار انسان در موقعیت‌های سخت و طاقت‌فرساست؛ به‌طوری که گاه واکنش‌های آنی، سبب انجام عملی می‌گردد که جبران آن غیرممکن بوده و چه‌بسا پشیمانی نیز برای عامل آن به بار آورد. بر همین اساس، خواجه نظام‌الملک در کتاب خود انسان را به غلبه بر خشم و عصبانیت، ترغیب نموده و از عواقب این کار برحذر داشته است: «امیرالمؤمنین^(ع) را پرسیدند که از مردان مرد، کدام مبارزترند؟ گفت: آن‌که به وقت خشم، خویشتن را نگه تواند داشت و کاری نکند که چون از خشم بیرون آید، پشیمانی خورد و سودش ندارد» (همان: ۲۰۱). خواجه، همانند معلم اخلاق، خشم را نفی نموده و در برتری عقل بر خشم می‌گوید: «و کمال خرد مرد آن باشد که خود خشم نگیرد. پس اگر گیرد باید که عقل او بر خشم چیره باشد نه خشم او بر عقل؛ و هرکه را هوای نفس او بر خرد چیره باشد، خشم او مر چشم خرد او را بپوشاند و همه آن کند و فرماید که از دیوانگان به وجود آید و باز هرکه را خرد او بر هوای نفس او غالب باشد به وقت خشم، خرد او خواست نفس او را بشکند و همه آن کند» (همان: ۲۰۲). در جامعه کنونی، شاهد حوادث بسیاری هستیم که پیامبر خشم و عصبانیت‌های آنی و زودگذر است و عاملان آن، همگی، اذعان داشتند که اگر توانایی و کنترل خشم را داشتند، سرانجامی اینچنین پیدا نمی‌کردند.

اگر انسان امروزی با تکیه بر اندرزهای کتاب‌های ارزشمندی چون *سیاست‌نامه* قبل از هرگونه عمل خشونت‌آمیز به آثارش بیندیشد، چه‌بسا از انجام آن خودداری کرده و رفتاری نابجا انجام ندهد تا پایان کار پشیمانی و پشیمانی جایگزین آرامش وی شود. همچنین اگر نصایح و اندرزهای حکایت‌ها و روایات را که در قالبی دلنشین و به دور از طعم تلخ پند مطرح شده است مطلق نظر قرار دهیم تا به مرور زمان در اذهان شکل گیرد، بی‌شک، حلم و صبر جایگزین بی‌طاقتی و خشم خواهد شد: «روزی امام حسین^(ع) با قومی از صحابه و وجوهان عرب بر سر خوان نشسته بود و نان می‌خورد و جبّه‌ای دیبای رومی گران‌مایه نو پوشیده بود و دستاری به‌غایت نیکو بر سر بسته. غلامی خواست که کاسه‌ای خوردنی در پیش او نهد و در بالای سر او ایستاده بود. قضا را کاسه

از دست غلام رها شد و بر سر و دوش امام حسین آمد و دستار و جبّه از آن خوردنی، آلوده شد. امام سر برآورد و در غلام نگریست و غلام چون چنان دید، بترسید که او را ادب فرماید. گفت: "وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ" امام روی تازه کرد و گفت: ای غلام تو را آزاد کردم. همه حاضران را از آن حلم و بردباری امام حسین عجب آمد و پسندیده داشتند» (همان: ۲۰۲).

۲-۷. توسل به مذهب

مؤلف سیاست‌نامه اهمیت مذهب و جایگاه علمای دینی در زندگی مسلمانان را با صراحت بیان می‌کند: «بر پادشاه واجب است در کار دین، پژوهش کردن و فرایض و سنت و فرمان‌های خدای تعالی به‌جای آوردن و علمای دین را حرمت داشتن و کفاف ایشان از بیت‌المال پدید آوردن و زاهدان و پرهیزگاران را گرامی داشتن. واجب چنان کند که در هفته، یک بار یا دو بار، علمای دین را پیش خویش راه دهد و امرهای حق تعالی از ایشان بشنود و تفسیر قرآن و اخبار رسول^(ص) استماع کند و حکایت‌های پادشاهان عادل و قصص انبیا علیهم السلام بشنود» (همان: ۴۷).

مؤلف سیاست‌نامه توسل به مذهب را بهترین گزینه برای پیروزی بر مشکلات می‌داند و دینداری را سبب مصونیت از اشتباهات مطرح می‌کند: «بس روزگاری برنیامد که بیشتر احکام شریعت و تفسیر قرآن و اخبار رسول علیه‌السلام او را معلوم گردد و حفظ شود، راهکار دینی و دنیاوی و تدبیر صواب بر او گشاده شود و هیچ بدمذهب و مبتدع او را از راه نتواند برد» (همان: ۴۷).

۳-۷. بیان جایگاه و شأن والای پیامبر^(ص)

متن سیاست‌نامه سرشار از حکایات انبیا و ائمه است که در ضمن این حکایات، ارزش و شأن پیامبر^(ص) به مسلمانان گوشزد شده است: «همه جهانیان متفق‌اند که از آدمیان هیچ‌کس داناتر از پیغامبر ما محمد مصطفی^(ص) نبوده است. به همه دانش که او را بود از پس همچنان بدیدی که از پیش و آسمان‌ها و زمین‌ها و بهشت و دوزخ و لوح و قلم و عرش و کرسی و آنچه در این هر دو میان است بر او عرضه کردند و جبرئیل علیه‌السلام هر زمان همی آمد و وحی همی آورد و از بوده و نابوده خبر همی داد. با چندین

فضیلت و معجزات که او را بود، ایزد تعالی او را همی فرماید: وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ يَا مُحَمَّد، چون کاری خواهی کرد یا مهمی تو را پیش آید با یاران خویش تدبیر کن» (همان: ۵۳).

۸. اندرزهای سیاسی

سیاست‌نامه یا سیرالملوک آن‌گونه که از نام آن نیز برمی‌آید، کتابی مختص سیاست‌مداران و حاکمان کشور بوده است و راه‌ورسم‌کشورداری و فنون آن در حیطه‌های مدیریتی مختلف را به تصویر کشیده است؛ بنابراین در چنین کتابی، طبیعی است که نویسنده، سیاست‌مداران را مخاطب سخن خویش قرار داده و اندرزهایی فراخور حال و مقام آنان آورده باشد.

۱-۸. کارگزاران و مدیران صالح حکومتی

همه حکومت‌ها برای حفظ دوام و ثبات نظام خود به مسئله کارگزاران و مدیران صالح توجه دارند. از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی در ثبات و دوام نظام‌های سیاسی مؤلفه‌های بسیاری نقش ایفا می‌کنند که از جمله آن‌ها سلامت اخلاقی، دینی و مالی کارگزاران و توجه به حقوق مردم و پرهیز از ظلم و ستم است. در این میان، حاکمان باید به دو نکته توجه داشته باشند: یکی نحوه انتخاب کارگزاران و توجه به ویژگی‌های آن‌هاست که باید با اهداف و آرمان‌های حکومت همخوانی داشته باشد و دیگر اینکه حاکمان، همواره بر اعمال کارگزاران (به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم) نظارت داشته باشند.

خواجه نظام‌الملک، مسئله کارگزاران صالح و کارآمد را برای جامعه، امری مهم تلقی نموده است و جوامع امروزی نیز برای تحقق اهداف و آرمان‌های خود به این مهم، نیاز مبرم و اساسی دارند.

۲-۸. گزینش کارگزاران

یکی از مواردی که حاکمان حکومت‌ها باید بدان توجه خاصی داشته باشند، نحوه رفتار و معاشرت کارگزاران و زیردستانشان با مردم است. در اهمیت به این موضوع، انتخاب‌ها و ملاک انتخاب‌های آنان مورد اهمیت قرار می‌گیرد و باید که این امر بر اساس

ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی و سیاسی حکومت و حاکم صورت گیرد. از دیدگاه اسلام کارگزاران، خدمتگزاران مردم‌اند نه اربابان آن‌ها و نباید مردم از آن‌ها وحشت داشته باشند؛ از این رو، کارگزاران باید با مردم با بهره‌گیری از عناصر اخلاقی مثل تواضع، محبت، بخشش و... عمل کنند.

انتخاب افراد شایسته و دلسوز در سمت‌های حکومتی و کسانی که به فکر مردم باشند از اولویت‌های جوامع امروزی است و در این میان، اندرزهای سیاست‌نامه برای تعالی جامعه و رسیدن به آرمان‌های آن، مفید و مثمر ثمر خواهد بود. در سیاست‌نامه یکی از ویژگی‌های «عبدالله بن طاهر» را انتخاب کارگزارانی صالح معرفی کرده است که به فکر احتیاجات مردم بوده‌اند: «چنین گوید که عبدالله بن طاهر، امیری عادل بوده است و گورش به نشاپور است و ما دیدیم و زیارت کردیم و پیوسته، مردمان آنجا می‌باشند و او همیشه عمل به پارسایان و زاهدان و کسانی فرمودی که ایشان را به مال دنیا حاجت نبودی و به غرض از آن خویش، مشغول نگشتندی تا مال حق، حاصل آمدی و رعایا را رنج نرسیدی و او گرفتار نبودی» (همان: ۶۴).

جوامع امروزی نیز پیرو این گفتار سیاست‌نامه، در انتخاب کارگزاران، باید به صلاحیت افراد توجه نموده و افرادی دلسوز و خدمت‌گزار را برای اداره جامعه انتخاب کنند.

۳-۸. سیاست پادشاه در باب عمال و زیردستان

در حکومت سلجوقیان و بازتاب آن در سیاست‌نامه، شاهد سیاست‌های حاکمان در باب زیردستان به طرق مختلف هستیم؛ به طوری که هریک از آن‌ها نشانگر قدرت و کیاست آنان است. جدول زیر نشانگر نحوه برخورد حاکمان سلجوقی با زیردستان است:

در مورد اعمال کارگزاران	در مورد زیردستان	در مورد مقطعان
نظارت بر کار نظامیان	اگر پادشاه خواهان بزرگی بر همه است، باید اخلاق خود را نیکو کند.	در کار مقطعان، نظارت لازم را داشته باشد.
عتاب و برکناری عمال خلاف‌کار	پادشاه باید حنّ و قدر هر کسی را بداند که اگر غافل شود، باعث سستی در خدمت زیردستان می‌شود.	باید مقطعان خلاف‌کار را عقاب و مجازات کند.
ریشه‌کن کردن رشوه		
صدقه دادن در قحطی		

۹. نتیجه‌گیری

سیاست‌نامه یکی از انواع ادبی تعلیمی مثنوی فارسی است که اندرزهای نهفته در آن به دو روش کنشی و گفت‌وگویی، شکل گرفته است. از اهم ویژگی‌های اندرز این کتاب در زمانی و همچنین جاودانگی این اندرزهاست؛ به گونه‌ای که در تمام دوران زندگی بشر، همواره، به‌روز بوده است. بهره‌وری در زمانی نیز از دیگر ویژگی‌های بارز این اندرزهاست و با توجه به اینکه سیاست‌نامه تنها یک کتاب سیاسی در خصوص مملکت‌داری و سیاست مدن نیست بلکه در باطن، دربردارنده مفاهیم عمیق انسان‌دوستی و مفاهیم اخلاقی و تربیتی در سطوح مختلف است و دریایی از معارف، حکمت‌ها و ارزش‌های عالی را داراست و سرشار از پیام‌های حکمی و دینی است. آموزه‌های تربیتی و اخلاقی در این کتاب، گاه به‌صورت تمثیلی در قالب داستان و گاه به‌صورت مستقیم انعکاس یافته است. در نوع نخست، درون‌مایه و زیرساخت داستان‌ها بر اساس اصول اخلاقی است و در نوع دوم، این تعالیم تربیتی در لابه‌لای مطالب کتاب بیان شده است. اگرچه سیاست‌نامه یک کتاب اصول مملکت‌داری است، اما کاربست اندرزهای آن در حوزه‌هایی نظیر مشورت کردن، تهیه سلاح، مبارزه با خیانت‌کاران، صبر و بردباری و... هیچ‌گاه کهنه نشده و در جوامع امروزی که مدرنیته و ماشینی شدن از یک طرف و استکبار جهانی از طرف دیگر زندگی جوامع، به‌خصوص جوامع اسلامی را تهدید می‌کند، بسیار مفید و کارآمد است.

پی‌نوشت‌ها

1. Tzvetan Todorov
2. pause

۳. نهج البلاغه، حکمت ۵۴، ص ۴۵۳.

منابع

۱. نهج البلاغه (۱۳۷۹)، گردآوری سید رضی، ترجمه محمد دشتی، چ ۶، قم:

مشرقین.

۲. افتخاری، حسین (۱۳۸۷)، بررسی جلوه‌های زندگی ایرانیان در سه اثر برجسته سده پنجم هجری، قابوس‌نامه، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت، استاد راهنما کتایون مزداپور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۳. پارسا نسب، محمد (۱۳۹۰)، داستان‌های تمثیلی رمزی فارسی، تهران: چشمه.
۴. تودروف، تزوتان (۱۳۸۸)، بوطیقای نثر، پژوهش‌هایی نو درباره حکایت، ترجمه انوشیروان گنجی‌پور، تهران: نی.
۵. سپه‌وند، اسماعیل و همکاران (۱۳۹۵)، «در شناخت آداب الملوک‌های فارسی و بررسی چند نمونه وزین از آن‌ها»، تاریخ نو، شماره ۱۶، ۱۸۷-۲۰۹.
۶. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۱)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: توس.
۷. طغیانی، اسحاق و نجفی، زهره (۱۳۸۷)، «جایگاه سه عنصر گفت‌وگو، کنش و پیرنگ در ساختار روایت‌های حدیقه»، پژوهش‌های ادبی، شماره ۲۲، ۱۰۱-۱۱۹.
۸. طوسی، خواجه نظام‌الملک (۱۳۶۸)، سیر الملوک (سیاست‌نامه)، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۹. قاسمی‌پور، قدرت (۱۳۹۱)، صورت‌گرایی و ساختارگرایی در ادبیات، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
۱۰. کاظمی، محمد (۱۳۹۰)، اندرزنامه‌های سیاسی در ادب فارسی با محوریت بررسی شاه آرمانی در سه کتاب شاهنامه فردوسی، سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی و نصیحة الملوک غزالی، استاد راهنما کتایون مزداپور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. مارتین، والاس (۱۳۸۶)، نظریه‌های روایت، ترجمه محمد شهباز، تهران: هرمس.
۱۲. محررپناه، الهام (۱۳۹۳)، جلوه‌های ادب تعلیمی در شعر سنایی غزنوی، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر.
۱۳. مرسل‌پور، محسن و همکاران (۱۳۹۶)، «تأثیر اندرزهای اردشیر ساسانی بر سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک»، مطالعات ایرانی، سال شانزدهم، شماره ۳۲، ۱۶۷-۱۷۹.
۱۴. مشرف، مریم (۱۳۸۹)، جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: سخن.